چهره عدل مهدوي در ادعيه و زيارت امام مهدي(ع(

 سيد منذر حكيم

اشاره

ادعية اهل بيت: يا قرآن صاعد به گونه‏اي همسو با قرآن كريم، فرهنگ عدالت خواهي و عدالت گستري را در جامعه اسلامي دنبال مي‏كند.

ادعية ويژة حضرت مهدي(ع) بسيار متنوّع، ولي هدفمند و با روشي ويژه، سمبل‏هاي عدالت‏خواهي و عدالت گستري را در يك وارث حقيقي و زنده و حاضر در صحنة جوامع بشري مورد توجه ويژه قرار داده و با برقراري ارتباط معنوي دعاكننده با او، مجموعة آرمان‏هاي الهي عدالت مدار را با ظلم ستيزي از درون انسان تحوّلي زيربنايي به وجود مي‏آورد، تا انسان‏هاي منتظرِ قيامِ پرچمدار حق‏طلب و عدل گستر را در حالت آماده باش كامل و بصيرت همه جانبه در آورد، و احياي كتاب و سنّت در دولت حضرت مهدي(ع) در اين ادعيه، سمبُل حق‏گرايي و حق گستري و عدالت خواهي معرفي شده است.

فرهنگ عدالت مداري و ستم ستيزي در ادعية اهل بيت: و همسويي قرآن صاعد با قرآن نازل

1. ادعيه اهل بيت: را قرآن صاعد مي‏گويند. اين نامگذاري بدون علّت نمي‏تواند باشد. تشابه مفاهيم مطرح شده در ادعية اهل بيت: با مفاهيم مطرح شده در قرآن كريم، بلكه مطرح شدن مفاهيم قرآني به صورت دعا و بازخواني اين مفاهيم در قالبِ ادعيه، ماية تعميق و نهادينه شدن اين مفاهيم مي‏گردد و در دعا كردن و دعا خواندن، اين مفاهيم را از عمق وجود خودمان بر زبان مي‏آوريم و آن‏ها را به سمت و سوي معبودِ خود، با اظهار راز و نياز بالا

مي‏بريم.

2. يكي از مفاهيم بسيار مهم و ارزشمند قرآن كريم كه در ادعيه اهل بيت: و زيارات ويژة امام مهدي(ع) مطرح شده است، مفهوم ارزشي عدل گرايي و ستم ستيزي مي‏باشد.

3. مراتب متفاوت اين مفهوم را به خوبي در ادعيه و زيارات امام مهدي(ع)

مي‏توانيم ببينيم. منظور از مراتب، مراحل تحوّل و تكامل انسان نسبت به شناخت آن تا بالاترين مرتبه تحقق عدالت در جامعه بشري و تجلي آن مفهوم در تمام ابعاد جامعه مي‏باشد.

4. مراتب مذكور را مي‏توانيم به شكل ذيل يادآوري كنيم:

عدالت شناسي، عدالت دوستي، عدالت گرايي، عدالت خواهي (عدالت طلبي)،عدالت مداري، عدالت پروري، عدالت گستري و در برابر آن ستم شناسي، ستم ستيزي، ستم گريزي كه در عبارت‏هاي مختلف ادعية اهل بيت: به ويژه در زيارات امام مهدي(ع) به چشم مي‏خورد و فرهنگ عدالت مداري و ستم ستيزي را در جان و روان پيروان اهل بيت: شكوفا مي‏سازد.

دعاهاي ويژة حضرت مهدي(ع)

1. دعاهاي ويژة حضرت مهدي(ع) عبارتند از:

الف ـ دعا دربارة مسأله مهدويت و شخص امام مهدي(ع) .

ب ـ دعاهاي رسيده از امام مهدي(ع) براي پيروان خود، كه برخي براي حل مشكلات شخصي (فردي) يا اجتماعي و برخي براي حل مشكلات جامعه اسلامي بيان شده است كه:

أـ گاهي به نوع ستم‏ها و مشكلات توجه مي‏دهد.

ب‏ـ گاهي ديگر به فرد موعود براي حل اين مشكلات، كه خودِ امام زمان(ع) مي‏باشد توجه مي‏دهد، و حفظ و بقاي او را براي تحقق آرمان‏هاي عالي اسلامي از خداوند عادل و رحمان مي‏طلبد و گاهي به هر دو مورد توجّه مي‏دهد.

2. در اين ادعيه نمودي و نمايشي زيبا از فرهنگ عدالت مداري و ستم ستيزي مي‏بينيم.

3. اين ادعيه از لحاظ اختصار و تفصيل بسيار متنوّع است: گاهي بسيار كوتاه يا متوسط و گاهي مفصل و طولاني. با توجه به نوعِ مطالب مطرح شده در هر يك از دعاهاي كوتاه، متوسط و طولاني، اولويت‏هاي اعمال شده در اين دعاها بدست مي‏آيد.

4. چنانچه به نام‏ها و محتواي اين ا دعيه توجه شود، دعاهاي توجه دهنده به شخص امام مهدي(ع) و جايگاه و موقعيت الهي او و نقش و اهداف مورد نظر اسلام براي وجود او، حداقل به پنج عنوان مي‏توان دست يافت:

الف ـ دعاهاي فرج و استغاثه.

ب ـ دعاهاي توسّل.

ج ـ صلوات (و درود فرستادن).

د ـ دعاهاي ندبه.

هـ ـ دعاهاي عهد.

5. در صورتي‏كه مفاهيم مطرح شده در اين دعاها را جمع‏بندي نماييم به دورنمايي روشن و گويا از خطوط كلي حكومت عدل‏مدار امام مهدي(ع) رهنمون مي‏شويم و با بازخواني اين دعاها، با توجه به فراواني هر يك از مفاهيم و ارزش‏ها و خطوط و اصول كلي يا برنامه‏هاي تفصيلي، مي‏توانيم به اهميت و جايگاه هر مفهوم با ارزش آن اصول مذكور پي ببريم.

6. همسويي ساير ادعية اهل بيت: نيز با ادعية ويژه امام مهدي(ع) در زمينه

عدالت‏مداري و عدالت گستري قابل توجه بوده و تمام آن‏ها در فرهنگ‏سازي نقش ويژه دارند؛ زيرا فرهنگ اسلامي اهل بيت: بر اساس و پايه‏اي ارزشي استوار بوده و عدالت گستري و ظلم ستيزي خمير ماية مواضع اهل بيت: در كردار و رفتار و گفتار آنان بوده، به گونه‏اي كه در پرتو عبوديت حق تعالي، عبوديت و عدالت مداري، دوشادوش هم مطرح مي‏گردند. و بر پاية عدل مطلقِ الهي تمام برنامه‏ها و الگوها ترسيم و ارزيابي مي‏شوند. و ضمن بيان تكيه‏گاههاي عدالت پروري و عدالت گستري، به ريشه‏يابي ستم‏گري در انسان پرداخته و به نمونه‏ها و الگوهاي عدالت خواه، عدالت مدار و ظلم ستيز توجه داده مي‏شود.

بدين ترتيب مي‏بينيم كه با يك روش علمي و با شيوه‏اي عملي و بسيار متين به ستم ستيزي، عدالت مداري و عدل پروري پرداخته شده است.

پايه‏هاي عدالت پروري و ظلم ستيزي در ادعية مهدوي

بنابر آنچه گذشت مي‏توان گفت كه پايه‏هاي عدالت پروري و عدالت‏گستري در ادعيه شريفه به شكل ذيل قابل طرح و بررسي مي‏باشد:

1. عدالت مداري حق يك اصل پذيرفته شده و مورد قبول همه انسان‏ها مي‏باشد.

2. اين عدالت مداري در قلمرو تكوين و تشريع دوشادوش هم بوده و از همديگر جدا نمي‏شوند.

3. براي تحقق عدالت بايد از درون انسان‏ها شروع كنيم تا به گسترش عدالت در سطح جامعه بشري موفق شويم.

4. براي تضمين عدالت پروري احتياج به انسانهاي عدالت مدار، عدالت پيشه و عدالت‏پرور داريم، كه در تمام جوامع بشري از طرف خداي متعال براي هدايت بشر برانگيخته ‏شده‏اند و حجت‏هاي معصوم الهي كه خود عدالت پيشه‏ و ظلم ستيز بوده‏اند بيانگر اين عدالت مداري الهي و ستم ستيزي بوده و انبيا و اولياي معصوم، سلسله‏اي بهم پيوسته و وارث و مكمّل همديگر بوده‏اند تا بشر را به عالي‏ترين مراحل عدالت رهنمون نمايند.

5. با توجه به اصل فوق كه مي‏گويد: ((‏تا انسان‏ها از درون متحوّل نگردند و ريشه‏هاي ستم‏گري در درون وجودشان خشكانده نشود، عدل پروري و عدالت گستري امري ناممكن و غيرعملي خواهد بود)) ادعيه بزرگترين نقش را در اين بُعد مي‏توانند ايفا كنند و باعث پاكسازي انسان از درون شوند. تاريخ پيروان اهل بيت: اين واقعيت را نيز به خوبي نشان داده است.

6. خداي عادل و رحيم، اولين و مهم‏ترين تكيه‏گاه، فطرت سالم انسان‏ها دومين تكيه‏گاه، و رهبران معصوم الهي كه صد در صد عدل پيشه‏اند، بهترين الگو و سومين تكيه‏گاه براي عدل پروري و عدالت گستري مي‏باشند.

7. زمينه‏هاي ستم و ستمگري و انحراف در ادعية شريفه مورد توجه قرار گرفته، و به قلمروهاي فردي و اجتماعي عدل نيز اشاره و در برخي زمينه‏ها به تفصيل پرداخته شده است. در حقيقت به شاخص‏هاي ستمگري و عدالت‏گستري نيز تذكر داده شده و دور نماي عدل مهدوي ترسيم شده است.

در دعاهاي عصر جمعه و... عموماً به اين زمينه‏ها، قلمروها و ابعاد بيش‏تر توجه شده است. نمونه‏هايي از ادعيه ذيلاً بيان مي‏شود:

((‏اللهم صلّ علي محمّد سيد المرسلين و خاتم النبيين و حجة ربّ العالمين...))؛

((‏اللهمّ ادفع عن وليّك و خليفتك و حجّتك علي خلقك و لسانك المعبّر عنك...))؛

((‏اللهمّ عرّفني نفسك فانّك ان لم تعرّفني نفسك لم اعرف رسولك...))[1]؛

((‏دعاي افتتاح))؛

((‏دعاي ندبه)).

8. تمام مفاهيم ارزشي در ادعيه اهل بيت: به صورت يك منظومة بهم پيوسته مطرح مي‏گردد و هر چند در هر دعا يك يا چند مفهوم مورد توجه قرار داده مي‏شود، اما با يك نگاه جامع به ادعيه اهل بيت: اين منظومه بسيار قابل توجه بوده و در دعاهاي تك مفهومي نيز از اين پشتوانة منظومه‏وار استفاده مي‏شود، خواننده ادعيه در مكتب اهل بيت: چنانچه به تمام مفاهيم ادعيه توجه نمايد، به تمام ابعاد ارزشي تسلط پيدا مي‏كند و ذهنيت شخص تك بعدي رشد نمي‏كند.

9. كتاب و سنّت در ادعية اهل بيت: سمبُل عدالت مداري است.[2] به همين دليل احياي كتاب و سنت، در سيره اهل بيت: و به ويژه در سيره امام مهدي(ع) هدفي اساسي و سمبليك بوده، كه نشان دهندة قيام امام(ع) به قسط، احيا كنندة عدل، نابود كننده ظلم و نفي كنندة تحريف‏ها و كژروي‏ها است.

به نمونه‏هايي از اين اصل در آخر اين بخش كه در ادعيه مهدوي آمده است توجه خواهيم نمود. ضمناً فراموش نكنيم كه پيامبر اسلام(ع) تمسّك به كتاب و سنت را (البته سنتي كه نزد عترت است، عترتي كه تجسّم عيني كتاب و سنت است) ماية مصونيت امت از انحراف معرفي كرده است و احياي سنّت واقعي را احياي اسلام و قرآن مي‏داند كه در دعاهاي حضرت مهدي(عج) مكرّراً به اين مطلب تذكر داده شده است.

10. اهل بيت: عموماً خود را قائم به حق معرّفي نموده و اين ويژگي را خداي متعال و پيامبر اسلام(ع) براي آنان قرار داده[3] و امام مهدي(عج) سمبل اين قيام به حق و بارزترين مصداق قيام به حق معرّفي شده است[4]. به همين دليل ذكر نام امام مهدي(ع)، يادآوري نام او و دعا براي وجود مبارك او، ياد قيام به حق و عدالت گستري او است، و مهدويت و عدالت گستري لازم و ملزوم هم بوده، چنان‏كه روايات نبوي بر اين تلازم صحه گذاشته و خود پيامبر(ع) آن را آغاز نموده است. و در تمام ادعيه‏اي كه به تعجيل فرج آل محمد(ع) توجه داده شده است، به تعجيل فرج و ظهور امام مهدي(ع) منصرف بوده[5] و تمام آن‏ها تعجيل فرج جامعه انساني و طلوع آفتاب عدالتِ مهدوي بر جامعة بشري را خواهان است.

احياي كتاب و سنّت در دولت مهدوي، سمبل احياي حق و عدالت گستري

1. ...اللهم و صلّ علي وليّك المحيي سنّتك، القائم بأمرك، الداعي اليك الدليل عليك، حجّتك علي خلقك و خليفتك في أرضك و شاهدك علي عبادك... اللهم جدّد به ما امتحي (محي) من دينك، و أحي به ما بُدّل من كتابك، و أظهر به ما غُيّر من حُكمِك، حتي يعودَ دينُك به و علي يديه غضّاً جديداً خالصاً مخلصاً، لا شكّ فيه و لاشبهة معه و لاباطل عنده و لابدعة لديه. اللهمّ نوّر بنوره كل ظُلمة و هدّ بركنه كلّ بدعة، و اهدم بعزّه كل ضلالة[6]... .

در چند جمله پيش از اين مقطع از دعا بر پيامبر و آل پيامبر، امامان هدايت كننده و عالمان صادق و نيكوكاران پرهيزگار، كه ستونهاي دين خدا و اركان توحيد او و مفسّران وحي و حجتهاي خدا بر خلق او و جانشينان او در زمين او هستند درود مي‏فرستيم. سپس بر آخرين وليّ خدا كه احيا كنندة سنّت او و قائم به امر و فرمان او و دعوت كنندة به سوي او و راهنماي (مردم) به سوي او و حجتِ خدا بر خلق خدا و جانشين خدا در زمين خدا و گواه و شاهد خدا بر بندگان او است نيز درود مي‏فرستيم، و از او مي‏خواهيم كه آنچه از دين خدا محو و نابود شده به دست او تجديد گردد و آنچه از كتاب خدا (قرآن) تغيير داده شده و تحريف گشته به‏دست او احيا گردد، و آنچه از احكام خدا دگرگون و پنهان شده آشكار گردد، تا اين‏كه دين خدا به وسيلة او و بر دستان او تازه و با طراوت شود به گونه‏اي كه از هر گونه شك و شبهه در آن خالص گردد، و هر گونه باطلي و بدعتي از ميان برداشته شود... خدايا با نور او تمام ظُلمتها را نوراني و با پشتوانه او هر گونه بدعتي را ويران ساز و با عزّت او هر گونه گمراهي را نابود گردان.

2. سلام الله الكامل التام الشامل العام، و صلواته الدائمة و بركاته القائمة التّامة علي حجّةالله و وليّه في أرضه و بلاده و خليفته علي خلقه و عباده، و سلالة النبوّة و بقيّة العترةِ و الصفوة، صاحب الزمان و مظهر الايمان و ملقّن (معلِن) أحكام القرآن، و مطهّر الارض و ناشِر العدلِ في الطولِ و العرض والحجة القائم المهدي الامام المنتظر المرضي (المرتضي) وابن الائمة الطاهرين الوصي بن الاوصياء المرضيين الهادي المعصوم ابن الائمة الهداة المعصومين... .[7]

سلام كامل و تمام خداي متعال، سلام فراگير و رحمت پيوسته و بركات پاينده و تمام بر حجّت خدا و وليّ او در زمين و در شهرهاي آن، و بر خليفه (و جانشين) او بر خلق و بندگانش، و بر پاك فرزند نبوّت و باقيماندة عترت و برگزيدگان او، حضرت صاحب الزمان و آشكار كنندة ايمان و تعليم دهندة (يا اعلام كنندة) احكام قرآن، و پاك كنندة زمين از (ستم و طغيان) و ناشر (بنيان) عدل (احسان) در طول و عرض جهان، و حجتِ قائم (به حق)، هدايت شده، امام برگزيده خدا و مورد انتظار (حق جويان و حق پويان) فرزند امامان پاك (و معصوم و برگزيده شدگان معصوم هدايت كننده و فرزند امامان معصوم هدايت كنندة (خلق) به سوي حق.

3. در زيارت ويژة روز جمعه بر نور تابان خدا و چشم و ديده‏بان او در ميان خلق او كه هدايت يافتگان به بركت راهنمايي‏هاي او هدايت مي‏يابند، سلام و درود مي‏فرستيم و سپس

مي‏گوييم كه اي مولاي ما، با تو و آل بيت تو به خدا نزديك مي‏شويم و انتظار تو و انتظار ظهور حق بر دستان تو را مي‏كشيم.

((‏...و انتظر ظهورك و ظهور الحق علي يديك...))

بنا بر اين، انتظار ظهور حق همان انتظار ظهور مهدي(ع) مي‏باشد و در انتظار حق،

عدل ‏گستري و حق‏گستري نهفته است.

4. در دعاي افتتاح مي‏خوانيم:

((‏...اللهم أظهر به دينك و سنّة نبيّك حتّي لايستخفي بشيء من الحق مخافة أحد من الخلق...)).[8]

خدايا! دينت و سنّت پيامبرت را بوسيله او آشكار گردان تا اين‏كه تمام ابعاد حق آشكار گردد و هيچ بخشي يا بُعدي از حق به خاطر هيچ‏يك از مخلوقات تو مخفي نماند يا اين‏كه مجبور باشد آن‏را مخفي نگه دارد... .

در حقيقت در اين دعا خواستار نفي تمام زمينه‏هاي تقيه و ترس از آشكار شدن حق

مي‏باشيم، كه نشان دهندة فراهم آمدن تمام زمينه‏هاي لازم براي شكوفايي حق و رشد انسان، و مطرح شدن تمام حقايق به گونه‏اي صريح و آشكار باشد.

5. در دعاي معروف ندبه مي‏گوييم:

اين بقيّة الله التي لاتخلو من العترة الهادية؟ أين المعدّ لقطع دابر الظلمة؟ أين المنتظر لإقامة الامت والعِوَج؟ أين المرتجي لإزالة الجورِ والعدوان؟ أين المدّخر لتجديد الفرائض والسنن؟ اين المتخيّر لإعادة الملّةِ والشريعة؟ أين المؤمّل لإحياء الكتاب وحدوده؟ أين محيي معالم الدين و أهله؟... يا ابن الآيات والبيّنات... يا ابن طه والمحكمات... يا ابن يس والذاريات... يا ابن الطور والعاديات... ليت شعري أين استقرت بك النوي... .[9]

كجا است آن باقيماندة حجت‏هاي الهي كه هيچگاه زمين از آنان خالي نمي‏ماند.

كجا است آن كسي كه براي ريشه كن كردن ستمگران آماده گرديده؟

كجا است آن كسي كه براي راست كردن كژي‏ها همه در انتظار او هستند؟

كجا است آن كسي كه همه اميدوار ظهور او هستند تا ستم و طغيان‏گري را بر طرف سازد؟

كجا است آن كسي كه براي احياي فرائض (و ا حكام قرآن) و سنت‏هاي پيامبر(ع) ذخيره شده است؟

كجا است آن كسي كه براي برگرداندن ملت و شريعت ختمي مرتبت انتخاب شده است؟

كجا است آن كسي كه براي احياي قرآن و حدود الهي همه در آرزوي ظهور او هستند؟

كجا است آن زنده كنندة دين و اهل دين؟

... اي فرزند آيات روشن الهي... اي فرزند طه و آيات محكم الهي... اي فرزند يس و ذاريات... اي فرزند طور و عاديات... اي كاش مي‏دانستم كه كجايي و در چه نقطه‏اي از زمين رحل اقامت افكنده‏اي!

5. در دعاي عهد اينچنين مي‏خوانيم:

... فاظهر اللهم لنا وليّك وابن بنت نبيّك المسمّي باسم رسولك(ع) حتي لايظفر بشيء من الباطل إلاّ مزّقه ويحقّ الحق ويحقّقه. واجعله اللهم مفزعاً لمظلوم عبادك، و ناصراً لمن لايجد له ناصراً غيرك، و مجدّداً لما عُطّلَ من احكام كتابك، و مشيّداً لما وردِ من احكام دينِك و سنن نبيّك(ع)...

... پس اي خداي ما! وليّ خودت و فرزند دخت پيامبرت را كه هم نام رسول تو مي‏باشد، براي ما آشكار ساز تا اين‏كه تمام باطل‏ها را پاره كند و حق را محقّق سازد. بار خدايا! او را پناهگاه ستمديدگان از بندگانت و ياور كساني كه جز تو ياوري ندارند قرار ده، و او را تجديد كننده و احيا كننده آنچه از احكام كتابت تعطيل شده قرار ده. و او را آباد كننده سنت‏هاي پيامبرت و برافراشته كننده پرچم‏هاي دينت قرار ده.

به اميد آن روزي كه شاهد ظهور حق و گسترش عدل الهي با پرچمداري يگانه فرزند ذخيره شده فاطمه دخت گرامي خاتم پيامبران باشيم و در زير لواي او، اجرا كنندة برنامه‏هاي حق آنطور كه شايسته است باشيم.

------------------

پي نوشت ها

[1] . ادعيه فوق را در صحيفه مهديه و در مفاتيح الجنان و در ساير كتب ادعيه مي‏توانيد مراجعه فرماييد.

[2] . خداي سبحان كه خود را به حق و عدل توصيف نموده و قانونگذار شايسته اي براي جهان و انسان مي‏باشد، آنچه را در قرآن كريم بر خاتم پيامبران فرود آورده جز حق و عدل نمي‏تواند باشد. به همين دليل قرآن كريم سمبل عدالت و حقانيت بوده و پرداختن آيات قرآن به فلسفة تشريع، نمودي ديگر از عدالت مداري و حق‏گرايي اين كتاب مهيمن و عدل مدار است.

[3] . در زيارت معروف جامعه كبيره و حديث ثقلين و زيارات ويژه پيامبر و اميرالمؤمنين و امام حسين: به اين نكته توجه داده شده است.

[4] . ((‏المهدي من عترتي... يملأ الأرض قسطاً و عدلاً)) و ساير روايات همسو بر همين نكته دلالت دارد.

[5] . ((‏و عجّل اللهم فرجهم بقائمهم و أظهر اعزازه)) به دعاي ويژة از حضرت حجت(ع) مراجعه فرماييد.

[6] . مفاتيح الجنان، باب اول، فصل چهارم، (صلوات روايت شده از امام زمان(ع) كه براي ابوالحسن ضراب در مكه ارائه شده است).

[7] . مفاتيح الجنان، باب اول، فصل هشتم، استغاثة به امام زمان(ع).

[8] . همان، باب دوم، فصل سوم، اعمال ويژة شبهاي ماه مبارك رمضان.

[9] . مفاتيح الجنان، باب سوم، فصل دهم، دعاي ندبه.